

شناسایی ویژگی‌های متشکله معماری قرون ۷ تا ۱۰ هجری قمری در اسناد تصویری تاریخی

مستخرج از پایان‌نامه با موضوع مرکز مطالعات معماری سنتی شیراز با رویکرد بازشناسی مبانی معماری اسلامی در اسناد تاریخی

سعیده عسکریزاده (نویسنده مسئول): دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری موسسه آموزش عالی حافظ شیراز

Alae_Ask@yahoo.com

علی بامداد: دکتری حفاظت و مرمت از ابنیه تاریخی - استاد مدعو موسسه آموزش عالی حافظ شیراز

Libamdad@yahoo.com

کوروش کمالی سروستانی: دکتری زبان و ادبیات فارسی - ریاست موسسه آموزش عالی حافظ شیراز

info@hafez.ac.ir

چکیده:

معماری به عنوان میراث گرانبها جزئی از اسناد و مدارک تاریخی از هر دوره به یادگار مانده است. تمامی گستره این سرزمین کتاب زنده‌ای از تاریخ، معماری و هنر ایرانی - اسلامی است و آثار باشکوه تاریخی علاوه بر جلال و شکوه، گویای تاریخ و تمدن باشکوه ایران هستند. تاریخ ایران همواره برای تاریخ‌نگاران موضوعی جذاب و جالب توجه بوده است و در همین راستا کتب بسیاری در رابطه با تاریخ ایران مشاهده می‌شود. وقایع و رویدادها مبنای پیدایش تاریخ هستند، که با از بین رفتن آن‌ها، آثار گذشتگان وقایع تاریخ را بازگو می‌کنند. اسناد تاریخی، در میان منابع و مأخذ تاریخ مدارکی‌اند از رویدادها و فعالیت‌های قابل استناد که منابع درجه اول برای مطالعه تاریخ معماری به حساب می‌آیند. مستندات معماری و شهرسازی ایران در دوران ایلخانی نقطه آغازی بر این اسناد تاریخی است. هدف از این پژوهش بازشناسی مولفه‌های معماری دوران ایلخانی و تیموری در اسناد تصویری تاریخی می‌باشد. لذا می‌توان گفت روش تحقیق این پژوهش از لحاظ محتوا پژوهش کیفی به شمار می‌آید. جهت گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و جهت تحلیل داده‌ها از روش «تفسیری تاریخی» و «تحلیلی» استفاده شده است. با شناخت شاخص‌های معماری و شهرسازی در نقاشی‌ها، نگاره‌ها، دست‌نگاره‌های تاریخی و نقشه‌ها در دوران تیموری و صفوی؛ به کاربرد طومارهای جهت پیاده‌سازی نقشه که اوج هنر معماری تاریخی را به نمایش می‌گذارد، دست می‌یابیم.

کلیدواژه: مولفه‌ها - معماری - دوران ایلخانی - دوران تیموری - اسناد تصویری تاریخی.

Archive SID

مقدمه

اولین تعریف معماری که در دایره المعارف معماری بدان استناد شده است، در کتاب "هفت مشعل معماری" (۱۸۴۹ م) متعلق به جان راسکین^۱؛ معماری هنر افراشتن و آراستن بنا توسط انسان است و بر زیبایی‌شناسی، مفیدبودن جنبه‌ها و دیدگاه‌های معنوی تاکید دارد تا بر عملکرد و کاربری آن. معماری می‌تواند الهام گرفته از عرفان یا انسانی یا از سوی دیگر ترکیبی از ساختن و خواستن باشد. معماری از ریشه عمر و به معنی بسیار عمارت‌کننده، دیر ماندن و زیست می‌باشد. هرکس بخشی از حقیقت معماری را می‌فهمد و این بدان معناست که هرکس اثر معماری را با چشم‌اندازی متفاوت برداشت می‌کند. درستی یا نادرستی اثر معماری در متن معماری معنا می‌یابد. معماری هم واجد صورت یا کالبد و هم روح و معناست. آنچه در ابتدا اهمیت دارد، روح معماری و در ثانی هرگونه معماری واجد معنا و باطنی از فرهنگ و جهان‌بینی بانی آن برداشت می‌شود. در روند شکل‌گیری معماری عوامل گوناگونی مانند اقلیم، مصرف، عملکرد، مصالح و فنون، نیروی انسانی، اقتصاد ساختمان و غیره بر کالبد موثر می‌باشد. در کنار روند تأثیرگذاری عوامل مادی، فیزیکی، محیطی-اقلیمی، شکل و فضای بنا در بعد فرهنگی، تمثیلی و هنری، باید از کلیه آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه برخوردار باشد.

از کتبی که در ارتباط با تاریخ هنر ایران نوشته شده، می‌توان به کتاب گذار^۲ اشاره کرد، که دغدغه اصلی او نشان دادن اصالت هنر اروپا است. آرتور پوپ^۳ و همسرش با نگاهی بی‌طرفانه به تاریخ هنر ایران زمینه فعالیت‌های ویلبر^۴ را فراهم ساختند. ویلبر، با تحقیق در معماری ایران با نشر مقاله‌ای در کتاب بررسی هنر ایران و کتاب مهم معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی پرداخت. مطالعه تاریخ از منظر تاریخ‌نگاران در مواردی همچون؛ همراه با مطالعه تاریخ سیاسی و اجتماعی، ارزش‌های اعتقادی جامعه، تولیدات فرهنگی و تعامل فرهنگ‌ها، بستر طبیعی و اقلیمی، تعامل سه عامل کاربر-بانی و معمار، استمرار، پایداری قابل بررسی‌اند.

پیشینه پژوهش

در حوزه اسناد تاریخی و مطالعات مربوط به معماری و عناصر و ویژگی‌های معماری‌گونه در این مدارک پژوهش‌ها و مطالعاتی کم و بیش صورت گرفته است؛ از این میان، کتاب جهانگیر قائم مقامی در سال ۱۳۵۰، تحت عنوان «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی»، مقدمه‌ای جهت شناخت انواع اسناد تاریخی و ویژگی‌های مرتبط با هر نوع سند به شمار می‌رود. در حوزه اسناد تاریخی مرتبط با معماری و شهرسازی کتاب گل‌رو نجیب اوغلو در سال ۱۳۷۹ با عنوان «هندسه و تزئین در معماری اسلامی» که توسط مهرداد قیومی بیدهندی ترجمه شده است، اسناد تصویری تاریخی فراوانی را از دوران‌های تاریخی ایران همراه با عناصر معماری و شهرسازی یافت شده بیان می‌کند. پس از این دو اثر از پژوهش‌های اخیر انجام شده می‌توان به «الگوهای مورد استفاده در طراحی معماری و تزئینات در دوره قاجار» (۱۳۸۴) نوشته باوند بهیور که به شیوه‌ها و الگوهای سندگونه در معماری دوران صفویه و قاجار را بازگو می‌کند، اشاره کرد. «زبان معمارانه نگاره‌های ایرانی» (۱۳۸۹) از منوچهر فروتن که به بررسی و واکاوی ویژگی‌های مشترک بین نگاره‌های ایرانی (به عنوان اسناد تاریخی معماری) و تصاویر واقعی از آن‌ها می‌پردازد. «بررسی چگونگی کاربرد اسناد در مطالعات تاریخ معماری ایران» (۱۳۹۳) نوشته احسان طهماسبی که با بررسی مطالعات تاریخی ایران به اسناد همچون وقف‌نامه‌ها، فرمان‌های حکومتی، نامه‌ها و گزارش‌های اداری و اسناد خرید و فروش دست یافته که عنوان اسناد مکتوب وقف‌نامه‌ها حاوی اطلاعات معمارانه بیشتری هستند. «بررسی تاریخچه مستند سازی تصویری آثار معماری و شهرسازی ایران» (۱۳۹۵) نوشته وحید حیدری که به بررسی مدارک تصویری تاریخی و آثار به جامانده از آن‌ها و مستندسازی این آثار در دوران‌های تاریخ معماری ایران و سرزمین‌های همجوار می‌پردازد، همچنین اهداف ثبت مستندات و حوزه‌های کاربردی آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است.

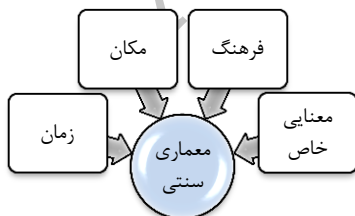
روش انجام پژوهش

این تحقیق از لحاظ محتوا پژوهش کیفی به شمار می‌آید. جهت گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و جهت تحلیل داده‌ها از روش «تفسیری تاریخی» و «تحلیلی» استفاده شده است. در مرحله اول از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ که به بررسی ادبیات موضوع، خوانش معماری، مفاهیم و ویژگی‌های معماری تاریخی ایران پرداخته شده است. در مرحله دوم به شناسایی و استخراج منابع و مآخذ تاریخ و اسناد تاریخی، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها به روش تفسیری تاریخی پرداخته شده است.

بر این اساس، در بخش تحقیقات پایه‌ای، مطالعات کتابخانه‌ای مبنا قرار می‌گیرد که جهت شناخت مبانی نظری در معنای عام، شامل مفردات موضوع یا واژگان در معنای خاص و پیشینه مطالعاتی می‌شود که در این راه، بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه‌های فوق، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. روش تحقیق با استفاده از کتب مرتبط در این زمینه، بررسی‌های میدانی و استنتاجات ناشی از مشاهدات عینی صورت پذیرفته است.

۱- معماری تاریخی ایران

معماری سنتی^۵ عبارت است از آن‌گونه معماری که در جامعه وجود داشته و در طول زمان استمرار یافته است (صادق‌بی، ۱۳۸۸: ۹). در یک جمع‌بندی کوتاه، شاید بتوان گفت معماری سنتی به چهار عامل بستگی دارد (نمودار ۱).



نمودار ۱: عوامل معماری سنتی (منبع: نگارنده با تلخیص از صادق‌بی، ۱۳۸۸)

¹ John Ruskin

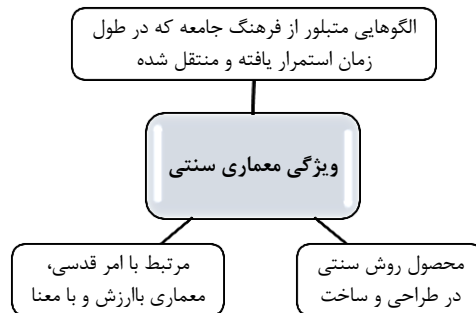
² Jean-Luc Godard

³ Arthur Upham Pope

⁴ Donald Wilber

^۵ مقصود نگارندگان از معماری سنتی ایران، معماری دوران تاریخی ایران است.

در شکل‌گیری معماری ایران، نظر، جهان‌بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جستجوگر حل مسائل جوی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیتی مشهود است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده‌اند. در مطالعه معماری ایرانی و استخراج مفاهیم، مبانی و ویژگی‌های آن کاملاً روشن است که اساس و شالوده اصلی آن در فلسفه وجودی این سرزمین بوده است و در نتیجه، مطالعه آن بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است. برای درک مفاهیم معماری این سرزمین باید دیدگاه خاص فرهنگی را که این مفاهیم در درون آن به وجود آمده‌اند شناخت و با آگاهی کامل دریافت نمود. دوران معماری سنتی، دوران شکوهمندی است که معماری پس از سال‌ها آزمون و خطا، راهکارها، الگوها و سرمشق‌های خود را یافته است و پذیرای ارزش‌های معنوی و ماورایی است. معماری سنتی به پشت‌گرمی دست‌یافته‌های خود، به کیفیت، کمال و جمال و در یک کلام به دل معماری می‌پردازد. معمار سنتی، فرهیخته‌ای است از میان مردم که شایستگی درک و فهم و عمل به معماری را دارد و معماری معماران را جایگزین معماری همگان (معماری بدون معمار) می‌کند (حجت، ۱۳۹۴: ۱۳). بنابراین، سه ویژگی اساسی معماری سنتی (نمودار ۲) عبارت است از:



نمودار ۲: ویژگی اساسی معماری سنتی (منبع: نگارنده با تلخیص از صادق‌بی، ۱۳۸۸)

نظری اجمالی به معماری ایران در عهد باستان بیانگر اصول شکل‌دهنده آن هم چون آسایش، استحکام، انبساط و غیره است. پاسارگاد، تخت سلیمان، ارگ بم، میدان نقش جهان و غیره همه و همه علاوه بر جلال و شکوه و شگفتی، گویای تاریخ و تمدن باشکوه ایران هستند. پس از ورود اسلام به سرزمین پهناور ایران، فرهنگ و هنر این پهنه با عوامل تازه‌ای ترکیب شد. آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسل‌ها و سایر ویژگی‌های مردمی نه تنها در بناهای عظیم که در انبیه کوچک نیز نمود دارد و چنان با جوهره وجودی معماری ایرانی در آمیخته است که رد پای آن در تمامی آثار معماری گذشته قابل پی‌جویی است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶: ۴).

تاریخ نویسی معماری فرآیندی است که ورودی آن، بناهای پراکنده و دیگر مدارک تاریخی است و محصول آن روایت تاریخی پیوسته‌ای درباره معماری. تاریخ نویسی معماری بر محوریت عوامل مختلفی ممکن است (حیدری دلگرم و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶). گستردگی تاریخ ایران، گوناگونی منابع متعدد، وجود دوره‌های تاریخی مختلف و سرانجام عشق و علاقه مورخان ایرانی به تاریخ ایران چه در دوره باستان و چه در دوره‌های اسلامی از جمله عوامل مهمی بوده‌است (نوذری، ۱۳۸۵: ۹۷). نظریات افراد راجع به معماری تاریخ ایران در جدول ۱ شرح داده شده است.

جدول ۱: تاریخ معماری از نظر افراد (منبع: نگارنده با تلخیص قیومی بیدهندی، ۱۳۸۴)

نظریات	
سبک‌های معماری ایران در کاربرد اصول معماری ایرانی مشابه‌اند، اما در فروع تفاوت‌هایی دارند. مشخصات این سبک‌ها مجموعه‌ای است متنوع از اصول کلان کالبدی تا جزئیات معماری. مطالعه تاریخ معماری باید با مطالعه تاریخ سیاسی همراه باشد، هر چند که پیوند آن دو مستقیم نیست یا دست کم، مورخ موظف به یافتن آن پیوندها نیست.	محمد کریم پیرنیا
معماری نمود سابقه و زمینه فرهنگی است. برای شناخت سیاق فرهنگی، باید به ارزش‌های اعتقادی جامعه، تاریخ سیاسی و اجتماعی، تولیدات فرهنگی هم زمان و متون و اسناد تاریخی توجه کرد. بستر طبیعی و اقلیمی نیز از عوامل مهمی است که در بررسی تاریخ معماری باید بدان توجه شود. در نوشتن تاریخ معماری باید همه وجوه معماری را در پیوند و نسبت با یکدیگر ملاحظه کرد. در بررسی تاریخ معماری باید به تعامل فرهنگ‌ها در طول تاریخ و عرض جغرافیا نیز توجه کرد.	آرتور اپهام پوپ
در تاریخ معماری، باید آثار را در متن محیط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی زمانه‌شان بررسی کرد. معماری را باید مجموعه‌ای از شکل‌ها و فضاها و حجم‌ها و مواد و فنون و هنرهای وابسته دید. معماری از تعامل سه عامل کاربر و بانی و معمار پدید می‌آید.	دونالد ویلبر و لیزا گلیمیک ^۱
هر دوره تاریخی در معماری باید آغاز و انجام تاریخی مشخصی داشته باشد. در بررسی تاریخ معماری ایران، از جمله در دوره ایلخانی، باید به دو نکته مهم که فراتر از دوره‌ها وجود داشته است توجه کرد: نخست، استمرار و پایداری و استواری فرهنگ ایران؛ دوم، تکامل و رشد مداوم سبک معماری و تزئین آن در ایران.	دونالد ویلبر

¹ Lisa Golombek

۲- اسناد تاریخی

قدر مسلم این است که وقایع و رویدادها مبنای پیدایش تاریخ می‌باشند ولی چون حوادث و اتفاقات (مانند امورتبیبی مابه‌ازا خارجی ندارند) رویدادهای گذشته برای حال قابل دیدن و لمس کردن نیستند و وقایع حال نیز در آینده دیده و لمس نمی‌شوند به‌ناچار تنها آثارگذشتگان است که ماجرای آن حوادث و وقایع را درست یا نیمه درست برای ما و آیندگان باز می‌گوید و به این آثار است که در اصطلاح تاریخ‌نویسی منابع و مآخذ تاریخ گفته می‌شود (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۳). منابع و مآخذ را که در تدوین تاریخ بکار می‌برند: از نظر کلی به پنج گروه می‌توان تقسیم کرد (جدول ۲).

جدول ۲: منابع و مآخذ تاریخ (منبع: نگارنده با تلخیص قائم مقامی، ۱۳۵۰)

منابع و مآخذ تاریخ	شرح
منابع ذهنی یا نقلی	شرح مسموعات، مشاهدات و خاطرات اشخاص است و این نوع منابع خواه زبانی باشد خواه نوشته، اصالت و سندیت‌شان علی‌الاصول کم است
منبع باستان‌شناسی	عبارتند از بناهای تاریخی، سنگ نبشته‌ها، لوح‌ها، سکه‌ها، کتیبه‌های چوبی و گچی در بناهای تاریخی و مقایر نوشته‌هایی که بر روی کاشی-کاری‌ها اینیه باقی‌ست و بالاخره اشیای و آثار هنری که در کاوش‌ها از زیر خاک بدست می‌آیند
منابع تصویری و ترسیمی	شامل نقاشی‌ها، مینیاتورها، عکس‌ها، گراورها، نقشه‌ها و نمودارها (گرافیک‌ها) می‌شود این دسته نیز، که به تازگی در میان منابع و مآخذ تاریخ جایی برای خود باز کرده از مدارک سودمند و با ارزش برای تاریخ‌نویسی می‌باشد
منابع کتبی	شامل متون هستند و در این دسته، مآخذ زیر را باید نام برد: کتاب‌های تاریخی که شامل تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌های خصوصی، (شامل تاریخ یک سلسله و یا شرح سلطنت یک پادشاه) و تاریخ‌های منطقه‌ای و محلی هستند. تحقیقات موضوعی - نوشته‌های جغرافی‌نویسان - متون ادبی، تراجم احوال، قصاید و مدایح شعرا و تفسیر آن‌ها - روزنامه‌ها، مجلات و نشریات دولتی و موسسات غیردولتی.
مدارک آرشیوی	مجموعه نوشته‌ها و اوراقی هستند که خود حاصل فعالیت‌های روزمره و مستمر دیوان‌های سابق و ادارات کنونی می‌باشد و مندرجات آن‌ها از نظر نحوه بهره‌برداری دارای دو گونه ارزش اداری و ارزش تحقیقی است، باین معنی که مادامی که مطلب آن‌ها مربوط به امور جاری و روزمره اداری خارج شوند ارزش تحقیقی و استنادی پیدا می‌کنند

«سند» مدرکی است که معمولاً رویدادها و فعالیت‌های دیوانی و قضایی در آن ثبت می‌شود (قائم مقامی، ۱۳۵۰). در تعریفی دیگر، سند را مدرکی که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد، نیز گفته‌اند (رضایی، ۱۳۹۰). اسناد گاهی یکتا بوده و گاهی از روی آن‌ها، در شماری محدود، استنساخ صورت می‌گرفته است. کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌ها و همچنین مدارک تصویری در دسته‌های دیگری از مدارک قرار می‌گیرند؛ البته در این دسته‌بندی‌ها گاهی مرزها با یکدیگر هم‌پوشانی می‌کند. اسناد از منابع درجه اول برای مطالعه تاریخ معماری به شمار می‌روند، زیرا غالباً با پدیده مورد بررسی معاصرند؛ گرچه ممکن است گاهی در آن‌ها اطلاعاتی درباره بناهای کهن‌تر نیز وجود داشته باشد. برخی از اسناد اختصاص به یک بنای خاص دارند و در پاره‌ای از موارد، در آن‌ها به مجموع‌های از آثار اشاره شده است. در شماری نیز مشخصاً از بنایی نام برده نشده است، اما اطلاعات مفیدی درباره بستر تاریخی و جغرافیایی آثار یک دوره به چشم می‌خورد (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۶۰). یکی دیگر از منابع تاریخی که شاید تا حدودی بکر و دست نخورده باقی مانده است. هنوز هم می‌توان به صورت یک منبع مستقل از آن در تدوین مقاله با تحقیق یا تالیف کتب استفاده نمود اسناد تاریخی هستند (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

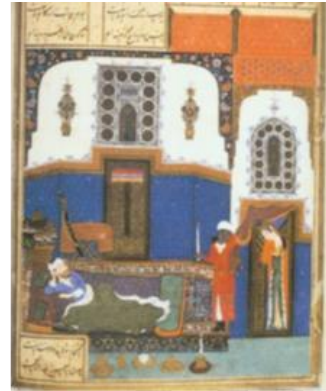
اسناد تاریخی، جزئی از منابع و مآخذ پژوهش‌اند که به‌سبب اعتبار وجودیشان بجاست آن‌ها را در مبحثی مستقل مورد بحث قرار دهیم و برای شناخت آن‌ها و همچنین برای آن که معلوم شود این دسته از مدارک در میان انبوه سرچشمه‌های تحقیق و تاریخ چه وضع و موقعیتی دارند لازم است ابتدا توضیحی درباره منابع و مآخذ پژوهش اگر چه کوتاه کلی باشد گفته شود (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۳).

اسناد حوزه معماری و شهرسازی را از زاویه ارتباط با مخاطب می‌توان به دو دسته اسناد مکتوب و اسناد تصویری دسته‌بندی کرد که در گروه اول محتوای نوشتاری سند و در گروه دوم ماهیت بصری سند بیشتر مورد تأکید است (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۷). همه اسناد به شکل بالقوه، منابع مطالعه تاریخ معماری ایران‌اند؛ زیرا هریک از آن‌ها به گونه‌ای با وجهی از زندگی انسان ایرانی مرتبط‌اند. از آنجاکه تاریخ معماری با تاریخ زندگی بشر عجین است، بررسی هر سندی که بخشی از کیفیت زندگی انسان در یک عصر را برپایمان روشن کند، به شناخت معماری متناسب با آن زندگی نیز کمک کرده است. معماری، همواره در طول تاریخ، در مقام کالبد زندگی انسان بوده است، هر شناختی درباره کیفیت زندگی به درک معماری مرتبط با آن کمک خواهد کرد؛ بنابراین، رابطه‌ای هم مستقیم و هم غیرمستقیم میان شناخت اسناد تاریخی و معماری ایران برقرار است (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

۳- اسناد تاریخی تصویری در قرون ۷ تا ۱۰ هجری قمری

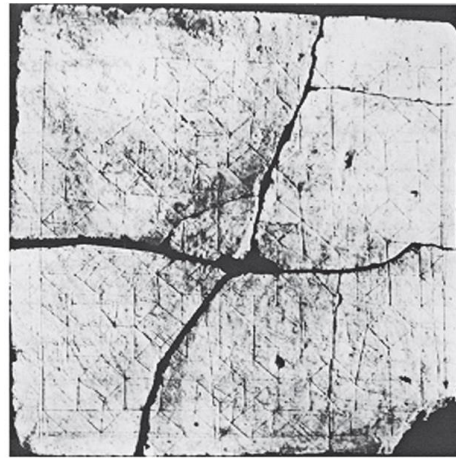
منابع تصویری شامل نقشه‌ها و نمونک‌های گذشته و یا تصاویر نقاشی شده از بناها در همان دوره است. با این که اندک نقشه‌هایی از آن زمان به جای مانده است، ولی نگاره‌های در خور توجهی از دوران اسلامی به خصوص از عصر ایلخانی تا اوایل صفوی باقی مانده است که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این نگاره‌ها که در آن‌ها بناها و معماری هم عصر خود را به تصویر درآورده‌اند، حاصل درک نگارگران آن زمان از فضاهای معماری است (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۳۲). به لحاظ تاریخی اولین اسناد تصویری مرتبط با معماری و شهرسازی ایران را می‌توان در تمدن‌های جیرفت (هزاره ۷-۵ ق.م) و ایلام (هزاره ۳ تا سده ۷ ق.م) جستجو کرد. نقوش ترسیم شده روی مهرها، نقش‌کندهای بادمانی و ماکت‌های گلی از این دسته هستند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۸). در این میان مستندسازی‌هایی که توسط آشوریان از آثار تمدنی اورارتو و ماد انجام گرفته قابل توجه است. مدارک مذکور بعضاً با هدف ثبت یک واقعیت موجود تهیه شده‌اند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۶). تصویرسازی از معماری در دوره‌های مختلف تاریخ نقاشی غرب و شرق، پدیده‌ای رایج بوده است. در غرب نقاشی‌های فراوانی از دوره‌های گوناگون وجود دارد که منبعی برای استنادات تاریخی در مورد بناها بوده است (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۳۲). با استفاده از نگاره‌ها و با اتکا به مدارک و شواهد زمینه‌ای دیگر می‌توان به بازخوانی

شهرها و یا بناهای ایران، به ویژه از کتاب‌های تاریخی و سفرنامه، پرداخت. همچنین می‌توان به بازشناسی عناصر معماری و چیدمان اثاثیه معماری که نمونه‌های آن‌ها در دست نیست و یا بسیار اندک است پرداخت، مانند خانه‌های دوره‌های قبل از صفوی، رصدخانه، بیمارستان و کتابخانه (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۴۱). در مواردی برای شناخت معماری بناهای مصور در این نگاره‌ها، از معماری خارج از حوزه فرهنگی ایران باید کمک گرفت. در نگاره‌ای که برای نمونه آمده است (تصویر ۱) فضای معماری داخلی یک خانه به تصویر درآمده است. این نگاره با وجود آن که متعلق به مکتب بغداد و دوره جلایریان (ایلخانیان) است، نمونه‌های مشابهی در مکاتب تبریز ایلخانی و هرات دارد (برای نمونه تصویر ۲) (فروتن، ۱۳۸۹: ۱۳۷).



تصویر ۱: عروسی همای و همایون، دیوان خواجوی کرمانی، مکتب جلایری بغداد (منبع: فروتن، ۱۳۸۹، ۱۳۸).
تصویر ۲: تصویری از داخل مسجد جامع سبز (یاشیل جامع)، بورسه، آناتولی مرکزی (ترکیه) (منبع: فروتن، ۱۳۸۹، ۱۳۸).

در قرون اولیه تا میانه هجری (پیش از حمله مغول در قرن ۷ق) دانش جغرافیا در کتاب‌هایی همچون مسالک و ممالک‌ها رشد فراوانی کرد؛ بنابراین اسناد تصویری این دوره هم از این جنس هستند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۰). دوران ایلخانی، آغازی است بر افزایش نسبی مستندات معماری و شهرسازی ایران که خاصه در میان آن‌ها منابع مکتوب فراوانند. از آن جمله مستشرقینی چون بنیامین تودلایی^۱، خاخام بهودی (قرن ۱۲م) و مارکوپولو^۲ تاجر ایتالیایی (ق ۱۳م) در نوشته‌هایشان به ایران اشاره می‌کنند و راهب ایتالیایی اوردور کیوس^۳ (۱۳۳۱-۱۲۸۶م) اولین کسی است که به آثار باستانی ایران (تخت جمشید) می‌پردازد (هرمان، ۱۳۷۳: ۴-۷). در میان مدارک تصویری بازمانده، لوح گچی (تصویر ۳) به دست آمده از محوطه تخت سلیمان که ربع طاق مقرنسی از دوره ایلخانی را به تصویر می‌کشد احتمالاً قدیمی‌ترین نقشه موجود است (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۱).



تصویر ۳: پلان ربع مقرنس گچی (منبع: نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ۴).
تصویر ۴: ساخت کاخ خورنق در نسخه‌ای از نظامی (منبع: گرابر، ۱۳۸۳: ۶۴).

از دوران تیموری مدارک متعددی به‌جامانده است که گرچه مستقیماً به قصد مستندسازی تهیه نشده‌اند؛ اما امروزه از منابع پژوهش محسوب می‌شوند؛ خاصه افزایش استفاده از هندسه در این دوره لزوم استفاده از نقشه را فزونی می‌بخشد (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۸). از جمله منابع عصر تیموری کتاب مفتاح الحساب غیاث الدین جمشید کاشانی (متوفی ۸۳۲ق) است که با نام رساله طاق و ازج شناخته می‌شود. مقالاتی از این رساله را که به شیوه‌های ترسیم و اندازه‌گیری فرم‌های طاقی و گنبدی شکل می‌پردازد می‌توان نوعی مستندسازی به شمار آورد (کاشانی، ۱۳۹۲). موضوعات معماری و ساخت از جمله موارد فراوان در نگارگری‌های عصر تیموری است مانند روایت ساخت مسجد سمرقند در ظفرنامه یزدی و کاخ خورنق در خمسه نظامی (تصویر ۴) (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۳). برخلاف منابع تصویری غربی، آثار

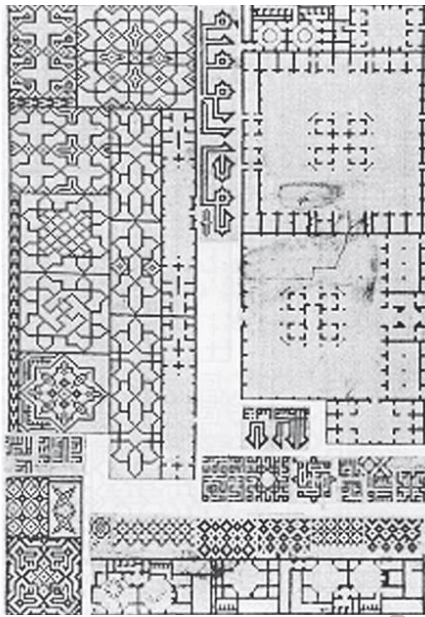
¹ Benjamine of Tudela

² Marco Polo

³ Odorico Mattiussi

تصویری ایرانی و شرقی عموماً ماهیت تزئینی دارند، نمونه قابل ذکر طرح‌های هنرمندی ترک تبار به نام نوح مطراچی است که آثارش از خلال لشکرکشی سلطان سلیمان عثمانی به ایران (۹۴۰-۹۴۲ ق) پدید آمده است و شاید تنها برخی کلیات فضاهای شهری را بتوان از آن‌ها برداشت کرد (تصویر ۵). چنین به نظر می‌رسد که کمی مستندسازی تصویری در این دوران به نبود دیدگاه ثبت واقعیت موجود برمی‌گردد؛ زیرا متقابلاً در نقشه‌های ساخت، مقیاس و تریسمات واقعی به کار می‌رفته است. گرچه کمتر این مدارک از حوزه سرزمین کنونی ایران به دست آمده است؛ ولی بخش زیادی از اسناد شناخته شده به نام طومارهای تاشکند (حوزه ماوراءالنهر) و طومارهای توپقاپی (حوزه عثمانی) مربوط به حوزه سرزمینی ایران می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

مدارک تصویری دیگری که نه مستندسازی بلکه می‌توان آن‌ها را نقشه‌های ساخت نامید؛ طومارهایی است که به شکل زبردستی مبنای طرح‌ریزی و ساخت فضاها و جزئیات معماری قرار می‌گرفته‌اند. تعدادی از این اسناد توسط کسپر پاردن کلارک^۱ انگلیسی جمع‌آوری شده است که بعدها سر از موزه ویکتوریا و آلبرت لندن^۲ در آوردند (تصویر ۶) (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۲۰). نکته قابل توجه در اسناد مذکور کشف شیوه‌های طرح‌اندازی و پیاده‌سازی نقشه است که یکی از آن‌ها استفاده از کاغذ شطرنجی و تخته‌رسم‌هایی است که طراح نه تنها در ترسیم اولیه بلکه در تطبیق نقشه با ساخت به کار می‌برده است (تصویر ۷) (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۲).



تصویر ۶: قطعاتی از طومار با نقش کتیبه و پلان بر شبکه شطرنجی (منبع: نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۲۳).



تصویر ۵: شهر همدان در نگاه‌های متعلق به قرن ۱۱ (منبع: حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

نجیب اوغلو تاریخچه یکی از این طومارها را چنین ذکر می‌کند: کسپر پاردن کلارک معمار مقیم سفارت بریتانیا در ایران، فراماسونی بود که توانست به اسرار صنف بنایان تهران دست یابد و از برکت وی است که می‌دانیم در زمان تحویل قرن حاضر، معماران ایران نیز از طومارهای حاوی نقشه معماری، مشابه طومارهایی که از توران در همان زمان به دست ما رسیده، استفاده می‌کرده‌اند. کلارک هنگامی که مباشر احداث بنای سفارتخانه بریتانیا در تهران بود، چون فن جدید قالب‌گیری گچ با قالب ژلاتینی را به پسر رئیس صنف معماران تهران می‌آموخت، در عوض اجازه یافت مقداری از این کتاب‌های لوله‌ای شکل را که اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود برای خود بردارد. این طومارها به معمار حکومت قاجار (مهندس‌الدوله) میرزا اکبر منسوب است. در دفتر موزه با عنوان «مجموعه‌ای که با مرگ میرزا اکبر پراکنده شد و پاردن کلارک، مباشر علیاحضرت ملکه بریتانیا در ایران، در ژانویه ۱۸۷۶ از استادکاران تهران، استاد خداداد و استاد اکبر به دست آورده» ثبت شده است (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۱).

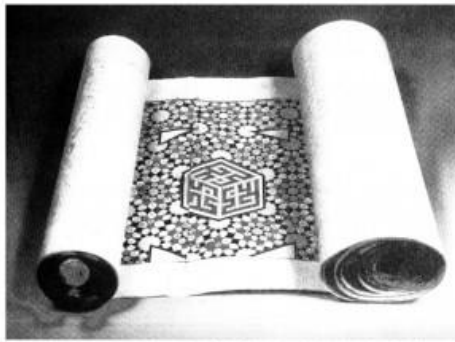
چنان‌که نجیب اوغلو متذکر می‌شود از گزارش‌های سیاحان چنین برمی‌آید که نقشه معماری در ایران عهد صفویه رایج بوده است. انگلبرت کمپفر^۳ از معمارانی در دربار صفوی اواخر قرن یازدهم حکایت می‌کند که طرح‌ها و نقشه‌هایی برای بناهای سلطنتی تهیه می‌کرده‌اند. رافائل دومان^۴ در سال ۱۶۶۰ میلادی درباره این معماران چنین گفته است: «ایشان، بسته به قوت خود، برای ترسیم قلم به کار می‌برند؛ لکن به رغم معماران ما، نمی‌دانند چگونه کاخ بزرگی را با پلان و نما و مقطع و پرسپکتیو چنان تصویر کنند که گویی احداث شده است». طومار توپقاپی، قدیمی‌ترین سند از نوع خود است؛ اما تنها نمونه نیست. طومار دیگری متعلق به یک معمار از یک یا صنف معماران بخارای قرن دهم هجری به دست آمده است که در مؤسسه مطالعات شرقی فرهنگستان علوم تاشکند نگهداری می‌شود (تصویر ۸). گفتنی است که معماران سنتی آسیای مرکزی هنوز از چنین طومارهایی استفاده می‌کنند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۱۱).

¹ Casper Purdon Clarke

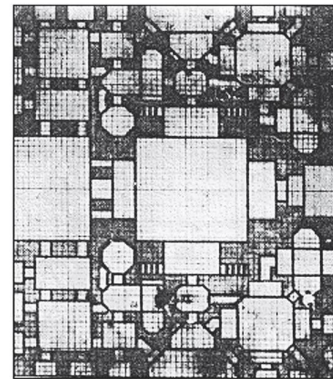
² Victoria Museum and Albert London

³ Engelbert Kaempfer

⁴ Raphael Du Mans



تصویر ۸: طومار متعلق به معمار ازبک (منبع: نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۴۲)

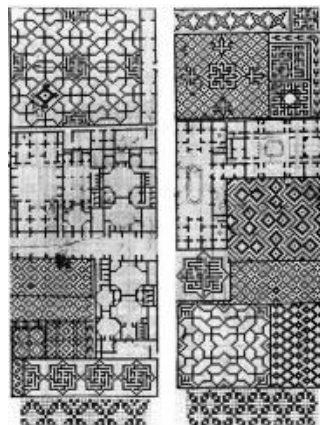


تصویر ۷: پلان مقبره یا کوشکی با طرح متقارن مرکزی (منبع: نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ۹)

طومار دیگری مربوط به خانواده‌ای از معماران شیرازی است که آن را از اجداد خود به ارث برده‌اند و در کتاب «گره‌سازی در هنر معماری ایران» چاپ شده است. چنان‌که از نقل قول بالا نیز برمی‌آید این طومارها را به صورت سری نگاه می‌داشته‌اند و این می‌تواند توضیح دهد که چرا تعداد بیشتری از این طومارها به دست نیامده است. علاوه بر این، اشارات دیگری نیز هست که کاربرد چنین طومارهایی را تأیید می‌کند (بهپور، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

کلارک روند تهیه این طومارها را چنین توضیح می‌دهد: سیاحان پنداشته‌اند معمار شرقی قوه‌ای باطنی دارد که از پلان و نما و مقطع مستغنی‌اش می‌سازد و می‌تواند همه اجزای بنای خود را، بی‌تخمین اندازه و نیاز به پیش‌بینی اجزای متعدد آن، پی‌نهد. ظاهر امر چنین است که معمار ایرانی از پلان مستغنی است و چون احداث خانه‌ای را به وی واگذارند، نخست زمین را بالجمله تسطیح کند، آنگاه جای دیوارها را گچ‌ریزی کند، بی‌آنکه هیچ اندازه آن‌ها را قدم کند. در حالی که حقیقت امر این است که پیش از هر کار نقشه کلی بنا را از کار درمی‌آورد، نه چنان معماران امروز بر کاغذ ساده، بلکه بر تخته‌ای شطرنجی که هر خانه‌اش نمودار یک یا چهار آجر است. این تخته رسم کلید سر حرفه ایشان است. نظام طراحی ساده است زیرا شکل آجر در ایران مربع است. برای پرکردن خانه‌ها - که نشان یک یا چهار آجر است - قلم یا قلم‌مو با مرکب هندی به کار می‌برند؛ و چون از کمال طرح اطمینان یافتند، خانه‌ها را با مرکب مشک‌پرمی‌کنند و طرح به انجام می‌رسد. آن‌گاه دستیاری آن را بر کاغذ شطرنجی مشابهی استنساخ می‌کنند؛ و با چیدن آجر بر طبق نقشه، طرح را اجرا می‌کنند. خطا ممکن نیست، زیرا خانه‌های شطرنج درست بر قدر آجر است؛ و چون تنها یک شیوه رگچین به کار می‌برند، عدد آجرهای لازم برای بنا را می‌توان با شمردن خانه‌ها و ضرب آن‌ها در بلندی دیوارها و کسر جای روزن‌ها از آن، به آسانی به دست آورد. بعد از آنکه طرح را برای مراجعات آتی به کاغذ منتقل کردند، رسم عجیبی معمول می‌دارند که از روزگار بس قدیم برجای مانده است. نقشه‌ها را نه جداجدا نگه می‌دارند و نه چون کتاب صحافی می‌کنند، بلکه لبه به لبه با چسب به هم می‌چسبانند، همچون رسائل شرعیه عبری، و آن‌ها را به صورت لوله نگهداری می‌کنند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۱).

چند نکته شایان توجه در مورد این طومارها وجود دارد. نخست آن‌که پلان ساختمان‌ها در این طومارها بر شبکه‌ای شطرنجی ترسیم شده که زیرساخت طراحی پلان است. دوم آنکه پلان ساختمان‌ها، پلان معکوس طاق و تزئینات معماری در کنار یکدیگر آمده‌اند (تصویر ۹) و این نشان از آن دارد که دارنده طومار، مسئولیت طراحی تزئینات و معماری ساختمان را یک‌جا بر عهده داشته و در واقع طراح پیکر و تزئینات بنا یک نفر بوده است (بهپور، ۱۳۸۵: ۱۰۱). البته منظور آن نیست که تزئین‌کننده بنا همواره با معمار بنا یکی است بلکه غرض این است که معمار با طراحی تزئینات آشناست و غالباً بر آن نظارت دارد و مهارت او را مخصوصاً باید در پلان معکوس جستجو کرد و در طراحی تزئینات نیز به حساب آورد. سومین نکته آن است که در این طومارها نقشه نما نیامده و این از سنت نقشه‌کشی حکایت می‌کند که سخت متکی بر پلان بوده است. تا آنجا که می‌دانیم نما را در محل احداث با استفاده از قواعد سرانگشتی هندسی بر مبنای اندازه‌های لازم ترسیم می‌کرده‌اند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۶۱). اگر این طومارها متداول بوده باشند باید بتوان مشابهت‌ها و تکرارهای فراوانی را در میان طرح‌های تزئینات بناهای موجود یافت. همچنین شاید بتوان طرح‌های موجود بر پیکره بناها را با این الگوها مطابقت داد (بهپور، ۱۳۸۵: ۱۰۵).



تصویر ۹: پلان معکوس طاق و تزئینات معماری (منبع: بهپور، ۱۳۸۵: ۱۰۱)

درخوناش تصاویر و کروکی‌های تاریخی، نقاط کانونی تصویر، عناصر مورد تأکید، پهنه منظر، خط آسمان، نمادها و نشانه‌ها، تجمع عناصر طبیعی و انسان‌ساخت و گستره بصری و پانورامای آن قابل بررسی است. بخش دیگری از فرآیند خوانش این ترسیم‌ها با رویکردی توپولوژیک (موضع‌شناسانه)، به بررسی ویژگی‌های هندسی و ارتباطات فضایی بدون توجه به تأثیرات جزئی و سطحی در شکل و اندازه کالدها می‌پردازد و به وسیله آن اجزای تشکیل‌دهنده یک کل به یکدیگر مرتبط یا به نحوی چیدمان می‌شوند (فیضی و اسدپور، ۱۳۹۲: ۵).

نتیجه‌گیری:

معماری تاریخی ایران با انعکاس الگویی از درون جامعه و سال‌ها آزمون و خطا و راهکار و الگو با نفوذ تحولات عقلانی و تخیلات معنوی، در طول زمان استمرار یافته؛ تا به عنوان سندی از تاریخ برای این دوران به ودیعه گذاشته شده است. آثار گذشتگان تنها بازمانده‌ای است که جریانات وقایع را روایت می‌کند. بنابراین قدمسلم است که مبنای پیدایش تاریخ، وقایع و رویدادها هستند. با ثبت این رویدادها و تبدیل شدن آن‌ها به سند و آثاری با ارزش از هر دوره تاریخی به عنوان میراثی گرانبها برای آیندگان به جای مانده است.

در حوزه معماری و شهرسازی اسناد در دو دسته تصویری و مکتوب قرار می‌گیرند. اسناد تصویری به دلایل فراوانی، تأکید بیشتر بر محتوای بصری و قابلیت برداشت مولفه‌های معماری مبنای پژوهش قرار گرفته‌اند. از میان دوران‌های تاریخی معماری ایران، قرون ۷ تا ۱۰ هجری (دوران ایلخانی، تیموری و صفویه) به علت آغاز مستندات معماری و شهرسازی و مدارک قابل استناد و روند تکمیلی در این دوران مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نقاشی‌ها، تصاویر، نگاره‌ها، نمونک‌ها و نقشه‌ها از جمله منابع تصویری در این دوران از تاریخ به حساب می‌آیند. دوران ایلخانی، با افزایش مستندات معماری و شهرسازی آغازی بر ثبت این اسناد به شمار می‌رود. از قدیمی‌ترین نقشه‌های تاریخی می‌توان به کشف پلان ربع طاق مقرنسی در این دوران اشاره کرد که در رده اولین اسناد تصویری تاریخی محسوب می‌شود. دوران تیموری، با افزایش کاربرد هندسه و شیوه‌های طرح اندازی و پیاده‌سازی نقشه به وسیله کاغذ شطرنجی و تخته رسم نقطه اوج تکمیل اسناد تصویری تاریخی می‌توان شمرد که در دوران صفویه این شیوه ارتقاء می‌یابد. از جمله اسناد تصویری به جا مانده از دوران ایلخانی، تیموری و صفویه می‌توان به موارد زیر (جدول ۳) اشاره کرد.

جدول ۳: اسناد تصویری به‌جامانده از قرون ۷ تا ۱۰ هجری قمری (منبع: نگارندگان).

دوران تاریخی	اسناد تصویری
ایلخانی	منابع مکتوب، سفرنامه‌ها، الواح گچی و نقشه طاق‌ها
تیموری	منابع کتبی و افزایش استفاده از هندسه، کشف شیوه‌های طرح اندازی و پیاده‌سازی نقشه، مقالاتی در شیوه‌های ترسیم و اندازه‌گیری فرم‌های طاقی و گنبدی و نگارگری‌های موضوعات معماری و ساخت
صفویه	مدارک تصویری سنگ‌گونه، کلیات فضاهای شهری، مستندسازی تصویری فضاهای معماری در آثار نگارگری و دیوارنگاری

برداشت‌های معماری و شهرسازی از مستندات تصویری به جا مانده از دوران ایلخانی، تیموری و صفویه در جدول ۴ بیان شده است. در این بین اسناد تصویری به‌جا مانده دوره تیموری، طومارهایی یافت شده که معماران پلان و نقشه بنا را بر روی تخته‌ای شطرنجی براساس ابعاد آجر، نظام طراحی را شکل می‌دادند و پس از اطمینان از طرح آن را اجرا می‌کردند.

جدول ۴: مستندات تصویری به‌جامانده از دوران ایلخانی، تیموری و صفویه به همراه برداشت‌های ویژگی‌های معماری و شهرسازی (منبع: نگارندگان).

مستندات تصویری	برداشت معمارگونه
نقاشی و نگاره‌ها	بازشناسی عناصر معماری و چیدمان معماری داخلی؛ از جمله: تزئینات کتیبه‌ها، طاق‌ها، پنجره‌ها، شکل آزاره، کف، صفا و پله
تصاویر و کروکی‌های تاریخی	کانونی تصاویر، عناصر مورد تأکید، پهنه منظر، خط آسمان، نمادها و نشانه‌ها، تجمع عناصر طبیعی و انسان‌ساخت
نقشه‌ها	طرح اندازی و پیاده‌سازی ترسیمات شطرنجی و تخته رسم، ویژگی‌های هندسی

منابع:

- بهپور، باوند. (۱۳۸۴). الگوهای مورد استفاده در طراحی معماری و تزئینات در دوره قاجار، مجله معمار، شماره ۳۰، فروردین ماه. حجت، عیسی. (۱۳۹۴). سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۱. حیدری دلگرم، مجید، محمدرضا بمانیان و مجتبی انصاری. (۱۳۹۵). محمدکریم پیرنیا و دونالد ویلبر، تفاوت مقاصد و عناصر روایت سبکی، دوفصلنامه مطالعات معماری ایرانی، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۹۵.
- حیدری، وحید. (۱۳۹۵). بررسی تاریخچه مستند سازی تصویری آثار معماری و شهرسازی ایران (پیش از اسلام تا پایان دوره پهلوی)، فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم، پاییز ۹۵.
- رضایی، امید. (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- سیفیان، محمدکاظم و محمدرضا محمودی. (۱۳۸۶). محرمیت در معماری سنتی ایران، نشریه هویت شهر، شماره اول.
- صادقی‌پی، ناهید. (۱۳۸۸). تأملی در معماری سنتی، نشریه صفا، شماره ۴۸.
- طهماسبی، احسان. (۱۳۹۳). بررسی چگونگی کاربرد اسناد در مطالعات تاریخ معماری ایران، دوفصلنامه معماری ایرانی، شماره ۶، پاییز و زمستان.
- فروتن، منوچهر. (۱۳۸۹). زبان معمارانه نگاره‌های ایرانی (با بررسی ویژگی‌های نگاره‌های ایرانی به عنوان اسناد تاریخی معماری اسلامی ایران)، نشریه هویت شهر، شماره ۶.
- فیضی، محسن و علی اسدیپور. (۱۳۹۲). تحلیل منظر کلان تاریخی شیراز براساس ترسیم‌های جهانگردان خارجی، فصلنامه علمی-پژوهشی هنر معماری و شهرسازی منظر، سال دهم، شماره ۲۴.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- قیومی بیدهدی، مهرداد. (۱۳۸۴). بررسی انتقادی چهار تاریخ‌نامه‌ی معماری ایران، فصلنامه فرهنگستان هنر، خیال ۱۵، تیرماه.
- کاشانی، غیاث‌الدین جمشید. (۱۳۹۲). رساله طاق و ازج، مترجم: سید علیرضا جذبی، تهران: سروش.
- گراپر، آگ. (۱۳۸۳). مروری بر نگارگری ایرانی، مترجم: مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: فرهنگستان هنر.
- نجیب اوغلو، گل‌رو. (۱۳۷۹). هندسه و تزئین در معماری اسلامی، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهدی، تهران: سروش، چاپ دوم.
- نوذری، عزت‌الله. (۱۳۸۵). روش شناخت در تاریخ، شیراز: انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.
- هرمان، جرجینا. (۱۳۷۳). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، مترجم: مهرداد وحدتی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.